

## براد هلند، تصویرساز و کاریکاتوریست

### رسوایی های بشر

براد هلند (Brad Holland) در میان تصویرسازان جهان و همزمان در حوزه هنر گرافیک و کارتون از محبوبیت و اعتبار فراوانی برخوردار است. اگرچه از او به عنوان کارتونیست یاد می شود اما قسمتی از این محبوبیت به خاطر تصویر سازی های تاثیر گذار و قابل تحسین اوست که در بسیاری از آنها از سیاست های دولت آمریکا به تلخی یاد کرده و عملکرد های آنان را به باد انتقاد گرفته است. علاوه بر این ویژگی شخصیت سندیکایی «براد هلند» نیز در برخورد و سازماندهی و در تقابل با همه جریاناتی که می خواهند به حقوق صنفی و قانونی هنرمندان صدمه وارد آورند از او چهره ای جنجالی و معترض ساخته است. براد هلند بارها به دیگر هنرمندان یاد آوری کرده است که باید از طریق ایجاد راهکارهای مناسب دست مافیا های قدرت را از حوزه ها و مناصب حساس هنری دور کنند.

براد هلند، شصت و سه سال پیش در آمریکا به دنیا آمد. در کودکی خانواده اش به آرکانزاس نقل مکان کردند، در جوانی مدتی را در یک سالن خالکوبی در شیکاگو مشغول کار شد، و حوالی سال ۱۹۶۰ برای همیشه به نیویورک نقل مکان کرد؛ شهری که بعدها همکاری اش را با روزنامه نیویورک تایمز از آنجا آغاز کرد و به دنبال آن با سایر مطبوعات که شاخص ترین آنها نشریه معروف پلی بوی بود ادامه داد. علاقه هنرمند مصری الاصل؛ سوارس ۱ به کارهای او که وی در آن زمان مسئولیت صفحه سردبیر ۲ را در نیویورک تایمز به عهده داشت فرصتی به او داد تا آزادانه استعدادهای خود را از همان ابتدای کار یعنی سال ۱۹۷۲ به نمایش گذارد.

اکثر آثار براد هلند به مواردی مثل سیاست و بحران های اجتماعی اشاره دارد. از نظر محتوا و استیل کار نیز متد او در دو مقوله اصلی خلاصه می شود؛ فریبندگی و طنز نگاری. او روش نسبتاً ساده ای برای ارائه کارهایش دارد که در عین حال منحصر به فرد است. تصاویر او از توده هایی دودمانند شکل می گیرند، قهرمانان او چهره ای مه آلود دارند که به نظر می رسند از میان تاریکی ها به سوی روشنایی در حرکتند؛ موردی که در بعضی از آثار هنرمندان سبک باروک همچون رامبراند هنرمند پرآوازه هلندی قابل مطالعه است.

در آثار براد هلند بیشتر از هر چیز سوژه اصلی یا قهرمان را می بینیم که از نگاه هنرمند به زیر ذره بین رفته است. در این قالب او کمتر به حواشی کار و جزئیات می پردازد. آثار براد هلند بیننده را مستقیماً وارد اصل ماجرا می کند. کاراکتر های او معمولاً هیبتی

غول آسا دارند که در یک فریم با کادری دقیق خلق شده اند. در این مسیر چندان به جزئیات توجه نمی شود و از ریزه کاری ها و طرح مسائل حاشیه ای نیز خبری نیست .

براد هلند در طول زندگی هنری خود به جوایز بسیاری دست یافته است که از آن جمله می توانیم به جایزه هامیلتون هینگ ۳ به خاطر اثری به نام «من جداً جدا زاده شدم» ( I ص Coming Apart m)، اشاره کنیم، در این اثر بیننده شاهد پیکر مرد بلندقامتی است که برهنه ایستاده است در حالی که اعضای بدن او با فاصله از هم جدا شده اند و این جدایی با یک نوع کشیدگی عضلات نیز همراه است.

چاپ مجموعه ای از آثار براد هلند در کتابی موسوم به «رسوایی های بشری» (Human Scandals) در سال ۱۹۷۵ که همگی با قلم و مرکب رسم شده اند برای او اعتباری جهانی کسب کرد. هنرمند در این مجموعه به دفاع از آزادی های مدنی و حقوق فردی پرداخته و ظلم و ستمی را که بر افراد بشر تحمیل می شود به شکلی تراژیک بازگو می کند.

براد هلند بارها نسبت به فرهنگ مصرفی و ابتذال هنری که فرهنگ عامه را تهدید می کند واکنش نشان داده و اعتراض خود را اعلام کرده است. او در این باره به صراحت گفته است: «در آمریکا حقیقتاً فقط یک هنر محبوب وجود دارد و آن سینما است. بیشتر مردم نقاشی را یک سرگرمی و ادبیات را یک تکلیف مدرسه به حساب می آورند.»<sup>۴</sup> البته در این گفته براد هلند همچون آثارش نوعی فریبندگی و طنز وجود دارد ولی نمی توان به تسلط این رشته از هنر بر تفکر عامه مردم کشورهای ثروت و سرمایه در آنجا حرف اول را می زند بی توجه بود. در هر صورت جامعه فراصنعتی و مصرف گرای آمریکا برای تحمیل تولیدات خود نیاز به بستری مناسب دارد که باید از نگاه صنعت سینما به آن پرداخت و مخاطبین آن را نیز با آنها مأنوس و آشنا کرد.

براد هلند نسبت به استفاده از حروف و کلمات در آثارش تعلق خاطر خاصی ندارد و یا به روایتی او به ندرت در کارهایش از متن استفاده می کند، به همین دلیل غالب آثار او بدون کلام است. براد هلند اعتقاد دارد که تصاویر باید به خودی خود پیام لازم را منتقل کنند و بر این اساس ضرورتی ندارد که با دخالت هنرمند و اضافه کردن چیزهای غیرتصویری که به ترکیب بندی اثر مربوط نمی شوند بخواهیم به نتیجه مطلوب برسیم و کل مسئله را به صورت تزریقی یکجا به تماشاگر القا کنیم. از موارد دیگری که در آثار این هنرمند قابل توجه است پرداختن به مسائل روحی و احساسی شخصیت های آثار اوست. بیننده با نگاه به کاراکترهای براد هلند به طور ناخودآگاه به یک حس ترحم و نزدیکی میان خود و شخصیتی که او خلق کرده است می رسد. خود او در این باره با انتقاد به پست مدرنیست ها در مورد رابطه احساس و حقیقت می گوید...

پست مدرنیست ها اعتقاد دارند که حقیقت افسانه ای بیش نیست و افسانه نیست جز حقیقت... در واقع این، ریشه در روایات عامیانه ما هم دارد. همین مردم اعتقاد دارند که احساسات نیز شکلی از واقعیات است. در واقع این اسامی دیگری برای آنهاست... این ادعا می تواند جنون آمیز باشد.

با گذر از این مقدمه به گفت و گوی کوتاهی اشاره می کنم که حدود دو سال قبل با او انجام دادم و حیفم آمد آن را منتشر نکنم. این گفت و گو اگرچه کوتاه است ولی به نظرم حاوی نکات ریزی است که می تواند به علاقه مندان هنر تصویری و دوستداران این هنرمند کمک کند تا با نحوه تفکر او بیشتر آشنا شوند. دژ